

پیمان جبلی، رئیس رسانه ملی در گفت وگوی تفصیلی با «جام جم»:

تحول، ضرورت است نه یک گزینه

تا قبل از این که ریاست سازمان صداوسیما به شما محول شود از جنبه‌ای به عنوان یک شخصیت مستقل فراخانگی که وابستگی خاصی به جریان‌ات سیاسی ندارد، یاد می‌شد. اخیراً انتقادهایی مطرح می‌شود مبنی بر این که از زمانی که آقای جبلی سکان این سازمان را برعهده گرفته یک سری جهت‌دهی‌های خاصی در رسانه ملی اجرا کرده.

این موضوع را قبول دارید؟

خیر، همچنان به اعتقادی که همیشه داشتم، پایبند هستم و هیچ‌گاه خود و شخصیتم را محدود به جریان سیاسی خاصی نکرده‌ام و با اعتماد به نفس می‌گویم خود را مستقل از همه جریان‌ات سیاسی به معنای معمول حزبی می‌دانم و مادامی که انسان از قدرت تفکر و تحلیل برخوردار است، می‌تواند با تشخیص، مسائل را تحلیل و بررسی کند.

به نظرم می‌رسد به لحاظ شخصی به این امر پایبند هستم اما این که قضاوت‌های بقیه چطور است، نمی‌دانم. برخی از افراد با جریان‌ات می‌خواهند از منظر آنچه

سازمان صداوسیما یک دستگاه عریض و طویل با بیش از ۱۵۰ شبکه تلویزیونی سراسری، محلی، استانی، بیرون مرزی و رادیویی است و یک مجموعه عظیم چند ۱۰ هزار نفری از کارکنان را در اختیار دارد. هزینه‌های جاری این مجموعه و هزینه‌هایی که برای نگهداری زیرساخت فنی اعم از زیرساخت‌های فنی زمینی یا ماهواره‌ای مورد نیاز است را نمی‌توان نادیده گرفت. در هر مرکز استان یک شبکه رادیویی و تلویزیونی داریم که برنامه پخش می‌کند.

هستند به بقیه نگاه کرده و همه چیز را از منظر و عینک مبتنی بر خط، جناح و گرایش خود دیده و تحلیل کنند. هر کسی آزاد است، شکر خدا در جمهوری اسلامی آزادی بیان وجود دارد و هر کسی می‌تواند درباره هر چیزی که می‌خواهد هر طوری گرایش، جریان یا حزب خاصی هستیم، عهد و پیمانی که با همکارانم دارم و به آن پایبند هستم این است که در خدمت کشور، مردم و انقلاب اسلامی باشم و برای صاحبان اصلی رسانه ملی که مردم هستند، فعالیت کنیم.

نقل قولی مطرح بود که یکی از مأموریت‌های حضرتعالی

در رسانه ملی، خارج کردن سازمان از چنگال ضد انقلاب بود و به نوعی جریان‌های نفوذی و بهایی را که در سال‌های گذشته توانسته بودند به عناوین مختلف در سازمان ورود کنند، پاکسازی کنید. این نقل قول را قبول دارید؟ در این خصوص چه اقداماتی انجام دادید؟

قرار گرفتن صداوسیما در مسیر درست و متناسب با آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه جزو اهداف سند تحول بود. ما به مسأله پاکسازی صرفاً به عنوان فعل فیزیکی نگاه نمی‌کنیم. گرچه ممکن است در برخی موارد لازم باشد که از نظر فیزیکی

بیشتر خود را موظف می‌دانیم که جریان‌های فکری منحرف و وابسته‌ای که در طول دهه‌ها و سال‌ها در برخی از لایه‌های محتوایی رسانه ملی و بقیه دستگاه‌های فرهنگی ریشه دوانده است را قطع کنیم. بحث محدود به این نیست که جلوی کسی را که روی آنتن حرف نامربوط می‌زند، بگیریم یا این که مانع هک شویم. همه این موارد در جای خود مهم و ضروری است اما اقدام اساسی، جلوگیری از نفوذ فکری

و محتوایی خزنه‌ای است که در طول سال‌ها در بدنه فکری برخی فعالان حوزه تولید محتوای رادیو و تلویزیون شکل گرفته و رخنه کرده است. تلاش ما این است که این نفوذ را از بین ببریم.

چند وقت پیش شاهد هک شدن پمپ بنزین‌ها بودیم که رسانه ملی به خوبی در این خصوص ورود کرد و روایت اول را داشت. در بحث حقوق‌هایی که در شهرهای مطرح شد، در قضاوت آب آصفهان هم یکی از اقدامات مفیدی که باعث شد اشتناش و اعتراض به خوبی مدیریت شود، عملکرد رسانه ملی بود؛ چرا این روند دیگر تکرار نشد. برخی مطرح

کردند بعد از اقدام رسانه ملی در حوزه آب آصفهان، تذکراتی به حضرتعالی داده شد. چرا این روند تداوم نداشت؟ چرا صداوسیما در اعتراضات و ناآرامی‌های پاییز سال گذشته دست به عصا رفت و مثل قبل روایت اول را ارائه نکرد؟

با هر رویداد و بحرانی باید متناسب با آن مقابله شود. اتخاذ یک شیوه واحد و مشابه برای همه موارد جوابگو نیست. در ماجرای هک سامانه‌های سوخت با شرایطی مواجه شدیم که مردم وسط روز دچار مشکل

سوختگیری شدند و ممکن بود در آن لحظه هجوم باالقوه‌ای به سمت پمپ بنزین‌ها رخ دهد، با بررسی‌ای که در همان دقایق اول صورت گرفت، مشخص شد پمپ بنزین‌ها هک شده است. بلافاصله با مراجع امنیتی هماهنگی به عمل آمد تا اطلاع‌رسانی‌های لازم در این خصوص انجام شود. بهرین، مناسب‌ترین و دقیق‌ترین شیوه برای مقابله با این بحران استفاده از ظرفیت رادیو بود، چون عموماً مردم در خودروها

برنامه ریزی و بودجه ریزی، یک شرکت زنانه محسوب می‌شود، بنابراین بودجه‌ای که دولت به صداوسیما اختصاص می‌دهد، بودجه جبران زیان محسوب می‌شود، نه بودجه تولیدات؛ ادبیات دولتی و برنامه و بودجه‌ای می‌گوید شما یک شرکت زنانه هستید و باید درآمد ایجاد کنید.

صداوسیما فعالیت تجاری و بنگاه‌داری ندارد و تا اطلاع ثانوی آگهی بازرگانی تنها درآمدی است که صداوسیما می‌تواند روی آن حساب کند اما روال برنامه و بودجه

برایم حکم یک

معمای پیچیده را داشت و دنبال به فرصت می‌گشتم تا با پیچ‌گوشی بیفتم به جوش و بینم توش چه خبر و چه جوری تونسته همه چیز رو تو خودش جا بده و بشه تنها دلخوشی ما؛ اونم تو زمانه‌ای که گوشمون پر از صدای آژیر قرمز بود و چشممون نظاره‌گر تشییع پیکر شهدای جنگ تو کوچه و خیابون‌ها. تا این که بالاخره رفتم سراغش و دیدم خبری از اون همه آدم ریز و درشت و شهر و جنگلی که نشونم می‌داد، نیست؛ انگار یه سطل آب یخ ریختن رو سرم و فقط ترس و آه نصیبم شد چون فکر کردم آدم‌های جعبه‌جادیوی گوشه خونمون فرار کردن و دیگه هیچ وقت قرار نیست ببینمشون تا پدرم که روحش شاد، بهم فهموند اصل ماجرا از چه قراره...

ماجرا یکی که شاید بتوان گفت از دهه ۷۰ به بعد مأموریتش برای من و هم‌نسلی‌هام بیشتر روشن شد و اون دوره طلایی رو برارش رقم زد تا حدی که همچنان یک‌سری هنرمند و طراح، می‌خوان ایده اون قصه‌ها رو کپی کنن تا بلکه در این غوغای رسانه دوباره مردم رو بنشونن پای سریال‌ها و اون خاطرات نوستالژیک رو بازنمای کنن.

اداره این آینه جهان‌نما که با یک دکمه روشن می‌شه هم حکایت عجیبیه؛ حتی فکر کردن به این که باید نظر این همه مخاطب رو تو فرارز و فرودهای مختلف سیاسی و اجتماعی و رقابت‌های نابرابر رسانه‌ای جلب کنی هم سخته چه برسه به این که بخوای اجراش کنی! شخص اول مملکت در حکم ابلاغی به پیمان جبلی، سازمان صداوسیما را قرارگاه آگاهی و امید دوستند و سکان این سازمان عریض و طویل فرهنگی با چهار اولویت هدایت فرهنگی، افزایش همبستگی ملی،

ترویج سبک زندگی اسلامی – ایرانی و تقویت روحیه ملی را به مدیری واگذار کردند که کار رسانه رو از پله نخست آن یعنی خبرنگاری شروع و خوان‌های مختلفی رو طی کرده بود تا به این جایگاه مهم فرهنگی برسه. برای همین میشه گفت رئیس وقت رسانه ملی شناخت واقع‌بینانه‌ای از ظرفیت و ظرفیت رسانه دارد.

پیمان جبلی که در همین مدت کوتاه ریاستش حواشی زیادی را پشت سر گذاشته، مهرماه ۱۴۰۰ با حکم رهبر انقلاب رئیس سازمان صداوسیما شد در حالی که پیش از این معاونت بیرون مرزی سازمان را به عهده داشت؛ عضویت در هیات علمی دانشگاه صداوسیما و حضور در تونس به عنوان سفیر ایران از دیگر سوابقش است. رئیس رسانه ملی از چهره‌های قدیمی این سازمان که حضورش در صداوسیما مسیر تحولی رو رقم زد که تفاوت‌های محسوسی را با قبل داره؛ از بازنمایی فریم‌های حضور انقلابی مردم در روستاهای کشور در مناسبت‌های ملی تا نحوه ورود و پرداخت به مسائل حساسی مثل ماجرای هک شدن پمپ بنزین‌ها یا بلوای پاییز ۱۴۰۱ که در نوع خودش بی‌سابقه بود. جام‌پلاس در اولین برنامه‌اش، سوالات مهمی را بدون ملاحظه و پیش فرض خاص از رئیس رسانه ملی پرسید و مصاحبه‌شونده با سعه‌صدر و روی‌گشاده – که مطمئناً ریشه در صبغه رسانه‌ای‌اش داشت - به آنها پاسخ داد. سیر مصاحبه از موضوعات شخصی و خانوادگی آغاز شد و به طرح مسائل مهمی مثل عملکرد صداوسیما در موضوعات بحرانی، پشت‌پرده جریان‌سازی‌ها برای ضربه زدن به رسانه ملی، ماجرای هک، اختلافات ساترا و شبکه نمایش خانگی، مهسا امینی، جریان نفوذی و بهایی، خودروهای رانته و... رسید. شما می‌توانید متن و فیلم کامل این گفت‌وگو را از طریق سایت و حساب‌های جام جم در فضای مجازی مشاهده کنید. آنچه در ادامه از نظراتان می‌گذرد، نسخه مطبوعاتی گفت‌وگو با رئیس رسانه ملی است.



امین مبینی
دبیر جام پلاس

راهکار رسانه ملی برای این که مجدد دچار چنین

چالش‌نشویم و روایت اول دست نظام باشد، چیست؟

هم‌افزایی دستگاه‌های مختلفی که در چنین مواقعی نقش آفرین هستند، بسیار ضروری است. امیدوارم اتفاقی که در ماجرای فتنه پاییز گذشته رقم خورد درس عبرتی برای مجموعه دستگاه‌ها باشد تا در لحظه از امکانات‌شان برای جلوگیری از وقوع بحران استفاده کنند. به نظر مادرین یکی از ابزارهای مهمی است که می‌تواند در تبیین، روشن‌گری و بیان واقعیت‌ها به‌کار آید، ما پیگیری‌های بسیار دامنه‌داری انجام دادیم تا نیروی انتظامی بتواند از دوربین‌هایی که در اختیارش است به خوبی استفاده کند و حتی پیشنهاد دادیم که اگر در این خصوص با مشکل کمبود منابع بودجه مواجه هستند، رسانه ملی در این خصوص پیگیری و مطالبه‌کننده تا این امکانات در اختیارشان قرار گیرد زیرا منابع تصویری برای اثبات یا ردی برخی ادعاها که از طرف دشمن مطرح می‌شود بسیار ضروری است. در بسیاری از موارد رسانه به اطلاعات

رادیوگوش می‌دهند، بنابراین تمام شبکه‌های رادیو، موظف به تبیین و اطلاع‌رسانی در این خصوص شدند. مقابله با هر بحران و واقعه‌ای، ابزارها و شیوه‌های متناسب با خود را می‌طلبند. در ماجرای فتنه پاییز، نخستین و ضروری‌ترین اتفاق اطلاع‌رسانی به موقع و دقیق از ماجرا بود تا جلوی اتهام دروغین کشته شدن خانم مهسا امینی بر اثر ضرب و شتم گرفته شود و لازم بود تصاویر دوربین‌های مدار بسته مرکزی که ایشان به آنجا رفته بود بلافاصله در اختیار رسانه ملی قرار گیرد. به‌رغم پیگیری‌های بسیار جدی که در تمام سطوح سازمان با دوستان فراجا به عمل آوردیم، موفق نشدیم در روزهای اول آن تصویر را به دست بیاوریم و چند روز طول کشید. مدیریت بحران باید قابل باور، قابل استناد و قابل اتکال باشد. ممکن است افتاع با صرف گفتن و ادعا کردن اتفاق نیفتد. به نظر ما در این ماجرا نمایش تصاویر دوربین‌ها، بهترین وسیله برای قانع کردن افکار عمومی جریحه‌دار شده بود.

رسانه ملی در اختیار تولیدات فاخر شبکه نمایش خانگی است

یکی از اقدامات خوب شما که در رسانه ملی انجام شده است، حذف سلب‌تیرتی سالاری است. البته برخی معتقدند این افرادی که به مدد رسانه ملی توانسته‌اند جایگاهی بین مردم کسب کنند، جزو سرمایه‌های سازمان محسوب می‌شوند. می‌خواستیم بدانیم برنامه‌ای به منظور حفظ و بازگشت برخی چهره‌ها که حذف شده‌اند، دارید؟

بله، همین‌طور که اشاره کردید محبوبیت این چهره‌ها نتیجه سال‌ها سرمایه‌گذاری و کار مشترک این افراد و رسانه ملی است. نمی‌خواهم حق هیچ‌یک از دو طرف را انکار کنم. رسانه ملی این ظرفیت، فرصت، امکان و آنتن را در اختیار آنها قرار داده و آنها نیز از همه توانایی و استعداد هنری خود برای دیده شدن برنامه‌ها استفاده کرده‌اند؛ بنابراین مکمل یکدیگر هستند. طبیعی است که هر دو طرف باید برای حفظ این سرمایه‌ها کوشا باشند؛ هم رسانه ملی باید مراقب این ظرفیت‌ها، استعدادها و سرمایه‌های خود باشد و هم چهره‌ها باید از شخصیت حقیقی و ظرفیتی که سازمان صداوسیما به عنوان رسانه ملی در اختیار آنها گذاشته تا در جایگاه افراد مستعد و مشهور قرار گیرند، مراقبت کنند.

از طرف خودم اعلام می‌کنم در دوره جدید تلاش می‌کنیم رابطه تنگاتنگی را بین رسانه ملی، همکاران و چهره‌هایی که به واسطه صداوسیما امکان بروز دادن استعداد‌های‌شان را پیدا کردند، فراهم کنیم. از طرف مقابل هم باید به این ترتیب باشد؛ اگر چهره، فرد یا برندی به واسطه فرصتی که رسانه ملی در اختیار او قرار داده تبدیل به چهره محبوب شد باید این امانت را به جای

خود استفاده کند. طبیعتاً رسانه ملی از هنرمندان و چهره‌هایی که خود را متعهد و وفادار به این امانت فرهنگی می‌دانند حمایت کرده و فرصت‌های بیشتری را در اختیار آنها قرار می‌دهد کما این که این امکان تاکنون در اختیار آنها بوده است. ما در رسانه ملی امتداد فرهنگ جامعه، سلامت فرهنگی جامعه، آرمان‌ها، ارزش‌ها و مقدسات مردم هستیم و طبیعتاً آن را امانت سنگینی بر دوش خود می‌دانیم و موظف به صیانت از آن هستیم و اگر افراد و چهره‌هایی هستند که نمی‌خواهند از این فرصت و امانت برای خدمت به فرهنگ جامعه، مردم و آرمان‌ها و هنرهای فرهنگی کشور استفاده کنند، انتخاب با خودشان است و صاحب‌اختیار هستند.

برخی معتقدند صدا و سیما، حمایت بی‌قید و شرطی از دولت مستقر دارد و این مسأله را برخلاف شعار حضرتعالی می‌دانند که گفته بودید رسانه ملی نباید روابط عمومی دستگاه‌ها باشد؛ ریشه این مسأله را هم به بحث‌های مالی بودجه مرتبط می‌کنند. به عنوان مثال در ماجرای استیضاح اخیر، رسانه ملی به حمایت ویژه از آقای فاطمی‌امین متهم شد. در مجلس بحث خودرو و استیضاح بود، اینجا هم بحث بودجه و سازمان؛ چه پاسخی در این خصوص دارید؟

من به دیدگاه‌های مختلف احترام می‌گذارم ولی این‌طور نیست که موافق موضوعات طرح شده باشم. بنده معتقدم صداوسیما سعی دارد وظیفه خود را در خصوص موضوعات جاری کشور و وظایفی که به عهده دستگاه‌های مختلف است، درست انجام دهد و در صورت مشاهده مشکل و خطا در



برای خواندن متن کامل
کیوارکدر
اسکن کنید



برای مشاهده گزارش
تصویری کیوارکدر
اسکن کنید



برای مشاهده تیزر
این گفت‌وگو
کیوارکدر اسکن کنید